

شہید رسول کشاورز



از تبار علی
سماں جامع سرداران و دوزخ شکنان بوخر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۱/۰۲
محل شهادت	شوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید رسول کشاورز، در سال ۱۳۴۵، در خانواده‌ای مذهبی و معتقد به دین مبین اسلام و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت در محله خنی‌های بندر دیر دیده به جهان گشود. کودکی بیش نبود که قرآن با تمام وجودش عجین شد. هفت ساله بود که به دبستان آیت الله سعیدی دیر (دارایوش سابق) رفت و پس از اتمام دوره ابتدایی، دوره راهنمایی را در مدرسه شهید محمد منتظری دیر با موفقیت پشت سر گذاشت.

راهنمایی بود که انقلاب اسلامی بار دیگر اوج گرفت و شهید نیز همراه با دیگر لیبیک‌گویان از دین و آیین و رهبر خود حمایت نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با گروهک‌ها، سخت‌درگیر و مبارزه می‌کرد.

با تشکیل بسیج به عضویت در این نهاد مقدس و مردمی درآمد. با تحمیل جنگ از طرف عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، در حالی که سخت مشغول تحصیل در پایه اول متوسطه بود، خود را به دیار عاشقان حسینی رسانید. پس از چندین ماه حضور در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل، به منزل برگشت؛ اما روح بلندش آرام نگرفت و بار دیگر به جبهه اعزام شد تا اینکه سرانجام در عملیات فتح‌المبین شرکت کرده و او که متولد اولین روز بهار بود، در دومین روز بهار، به لقاء الله پیوست و به آرزوی دیرینه‌اش که شهادت بود نائل آمد.

وصیت‌نامه شهید

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیتنامه خود را چنین شروع می کنم. چرا از شهادت می ترسید مگر کودکی سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد. امام حسین (ع)

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص

خداوند کسانی که در راه او همچون بنیانی محکم و به هم جهاد میکنند دوست می دارد.

سلام به پیشگاه زعیم عالیقدر رهبر ارجمند نائب الامام روح الله الموسوی الخمينی، درود به روان پاک شهیدان راستین انقلاب اسلامی، وصیت من این است که تمام برادران و خواهران، که بعد از من در این مملکت اسلامی زندگی خواهند کرد، اطاعت از فرامین رهبر انقلاب، شرعی دانسته، دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن خود بدانند، گرچه ریشه جگرت باشد که دشمنان او دشمن اسلامند و دوستان او دوستان اسلامند و دیگر بار صحبت با پدر، مادر، برادر و خواهر می کنم.

من تن به تیرونیزه و توپ می دهم با چون یزید (صدام) داخل نمی شوم.

آری پدرم، مادرم، برادر، خواهر، من شهیدم تو زنده ای، به رویم ایستادهای و فریادمی کنی که ای مادر و ای پدر و ای برادر و ای خواهر، ای مسلمانان، پیام خونم را به همه برسان به مردانه زنان، به جوانان، به پیران، به بچه ها؛ تشیع مکتب خون و شهادت است. شهادتم به امام زمان (عج) و نائب بر حقش امام خمینی و تمام پدران و مادران شهید داده، تبریک بگو، که ای مردم، ای مسلمانان، به خود آیید و دشمن را بشناسید و بدانید گرچه گروه گروه شده اند ولی همه یک هدف دارند و آن نابودی اسلام است و بدانید بقای قرآن و اسلام و حکومت الله به خون شهیدان است، پس مادر به جوانان بگو شهادت افتخار مردان است و از شهادت نهراسید که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است.

وتوای جوان بکوش که از اسارت دنیا برهی و آنگاه پاسدار قرآن و یار الله و مدافع حق باشی .

به پدران بگو فرزندان شان را علیگونه تربیت کنند تنها به فکر زندگی چندروزه دنیا نباشند که چه زود گذراست.

مادر به مادران بگوید شهید پرور شوند و دامن پاک دارند و ای خواهر به خواهران بگو پاسدار عفت باشید و زینبگونه عمل کنید و تو ای برادر پیام همه برادران شهید به سراسر دنیا برسان چرا که وظیفه تو سخت سنگین است .

و ای مادر در پایان بگو که نائب مهدی، علی زمان، فرزند حسین بگو آنهایی که خون شهیدان به هیچ انگارند بر سر مطع دنیا به ستیز بر خیزند و حمایت امامشان را فروگذارند و جایشان دوزخ است.

در پایان از همگی می خواهم اگر پسر و برادر بدی بودم مرا ببخشید.

پیام من به پاسداران انقلاب اسلامی دیر این است، تا میتوانید به خوبی به دستورات اسلام و امام عمل کنید و مردم از شما سرمشق بگیرند؛ باید خیلی صالح باشید و از ملت دیر می خواهم تا آنجا که میتوانند از سپاه پاسداران دیر

حمایت کنند. نگذارید مشتی اجنبی به پاخیزند و بر علیه سپاه که بازوی امام است عمل کنند.

دین من دین قرآن و اسلام است. یاز من سلاح ایمان است. اسم من رسول بن علی است.

یک ماه روزه بدهکار هستم.

من در امامزاده ابوالقاسم دفن نمایم.

به امید پیروزی اسلام بر کفر

خدا حافظ

رسول کشاورز



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران